ای عزيز محترم نامه‌ای که به آقا ميرزا لطف‌اللّه مرقوم…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



## ٢٦٧

ای عزيز محترم نامه‌ای که به آقا ميرزا لطف‌اللّه مرقوم نموديد ملاحظه گرديد الحمد للّه دليل جليل بر عبوديّت آستان حضرت بهاءاللّه بود. عبدالبهاء را نهايت آرزو اين که پيش از رجوعش به ملکوت ابهی نفوسی را مشاهده نمايد که لشکر عامل ملکوت ابهی هستند و از فيض قديم فوزی يافتند که سراج موقده محبّت اللّه هستند و به جميع جهان نور ميبخشند اين امر عظيمی است که به تصوّر محال ميآيد ولی از الطاف حضرت بهاءاللّه کاه کوه گردد و گياه ضعيف شجره مبارکه شود و صعوه عقاب اوج اعظم شود و قطره دريای محيط گردد و دانه خرمن تشکيل کند و بی بهره نصيب موفور يابد و ظلمت مبدّل به نور گردد کور بينا شود و مرده زنده گردد. لهذا اميد ما به فضل و عنايت او است نه به استعداد و لياقت خويش چون به استعداد خود نظر نمائيم نوميد گرديم و چون امواج دريای فضل او را بينيم اميدوار شويم اين است که حضرت مسيح ميفرمايد طوبی لأطفال لأنّ لهم ملکوت اللّه، باری مرقوم نموده بودی که چگونه هيکل عبدالبهاء تحمّل اين مشقّات و زحمات مينمايد اين هستی جسمانی و روحانی عبدالبهاء به جهت آن وجود يافته که در سبيل حضرت بهاءاللّه محو و فانی گردد والّا چه ثمری از وجود البتّه عدم از آن وجود بهتر است اين است حبّ حقيقی اين است فنای در سبيل الهی…

